

## فرهنگ سیاسی ایران و تحقق حقوق شهروندی

رحمان قربانی درزی محله<sup>۱</sup>، حسن زارعی محمودآبادی \*<sup>۲</sup> محمد علی فلاح زاده<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۲

**چکیده:** در ایران عوامل مختلفی بر تحقق حقوق شهروندی تاثیر گذاشته که از جمله می توان به فرهنگ سیاسی اشاره کرد. لذا آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، فرهنگ سیاسی ایران و حقوق شهروندی بود که با شناخت دقیق فرهنگ سیاسی در سطوح فرمانروایان و فرمانبرداران، به این مسئله پاسخ داده شد که مهمترین موانع فرهنگ سیاسی ایرانیان در تحقق حقوق شهروندی کدامند (سوال اصلی). نوع نگرش ایرانیان چه در سطح حاکمان و چه در سطح شهروندان به قدرت و متفرعات آن، از عوامل اصلی عدم تحقق حقوق شهروندی در ایران بوده و هست (فرضیه). هدف این پژوهش این بود که با مطالعه و بررسی فرهنگ سیاسی ایرانیان، زمینه های تاثیر موانع آن در تحقق حقوق شهروندی مشخص گردد تا تحقق و اجرای حقوق شهروندی با چالش مواجه نشود و فرهنگ سیاسی دموکراتیک که عاملی موثر در تحقق آن می باشد، نهادینه شود. روش تحقیق حاضر، ترکیبی از روشهای توصیفی و تحلیلی با رویکرد جامعه شناسانه بود.

**واژگان اصلی:** فرهنگ سیاسی، حقوق شهروندی، ایران.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق عمومی واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران.

[rahmanghorbani163@yahoo.com](mailto:rahmanghorbani163@yahoo.com)

<sup>۲</sup> گروه ایران شناسی، دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول). [zareei@meybodac.ir](mailto:zareei@meybodac.ir)

<sup>۳</sup> گروه حقوق عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. [fallahzade203@yahoo.com](mailto:fallahzade203@yahoo.com)

## مقدمه

نظام فرهنگی به عنوان مجموعه پیچیده و به هم پیوسته‌ای از عناصر فرهنگی، یکی از عوامل مهم تشکیل دهنده رفتار انسانی است و کیفیت روابط افراد جامعه خود را تنظیم می‌کند (موسوی، ۱۳۹۶: ۴). فرهنگ نقش مشخصی در تکوین رفتار دارد (گوهری‌پور، ۱۳۸۸: ۱۵۳) و تعیین کننده رفتار عمومی است (لطیفی و عبدالحسین‌زاده، ۱۳۹۵: ۴۴). رفتار و شخصیت انسانها به میزان زیادی متناسب با فرهنگی است که در آن تربیت یافته و به آن تعلق دارند. در واقع، رفتارهای انسان تحت قدرت و نفوذ فرهنگی که از هر طرف او را احاطه کرده، قرار می‌گیرد که در طی آن، شخصیت شکل می‌گیرد. فرهنگ نسبت به سایر مولفه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حقوق شهروندی، هم تاثیرپذیر است و هم تاثیرگذار. در مجموع نمی‌توان نقش اساسی آن را در عرصه‌های مختلف حقوق شهروندی نادیده گرفت. به نظر می‌رسد تمامی ابعاد حقوق شهروندی و تحقق آنها، در گرو توجه جدی به مقوله فرهنگ است و این موضوع در بحث جهانی شدن فرهنگ، مورد پذیرش جامعه جهانی نیز می‌باشد.

فرهنگ، ابزارتفوق جویانه ازسوی طبقات مسلط است که از آن طریق، هنجارها و ارزش‌های متناسب با یک ساخت طبقاتی، بازتولید می‌شود و در ذهن و رفتار مردم شکل می‌گیرد (فراسنخواه، ۱۳۹۵: ۹۲). فرهنگ و باور سیاسی در سطح فرمانروایان و صاحبان قدرت، راه را برای اتخاذ تصمیمات و انجام اقدامات و اعمال سیاسی فراهم می‌آورد. لذا بهره برداری سوء از فرهنگ بوسیله حاکمان و تاثیر آن در سطح فرمانبرداران، همواره مورد توجه قرار گرفته است.

از یک سو، انگاره‌ی فرهنگی، نقش تعیین کننده‌ای در شکل دادن دیدگاههای کنشگران ایرانی داشته و همین امر زمینه سازتحولات و انقلابات در ایران معاصر داشته و دارد (فاضلی، ۱۳۹۷: ۴). از سوی دیگر، فرهنگ سیاسی مدنی در فرهنگ ایرانی حضور چندانی نداشت، به طوری که در عهد قاجار، پدیده اقتدار گرایی در ناخودآگاه فرهنگ عمومی جاری و فرهنگ آن قرن‌ها، در باطن فرهنگی و رفتار ملت نهادینه شده بود و رمز تداوم اقتدارگرایی در ایران ناشی از بنیان ضعیف ایرانیان در کار گروهی، تشکل و چانه زنی بود (سریع القلم، ۱۳۹۶: بی تا). به عبارت دیگر، از یک سو، بسترهای جامعه ایران در دوران قاجار، زمینه‌های اثرگذاری نیروهای اجتماعی بر حاکمیت را ناخودآگاه فراهم می‌آورد و از سوی دیگر، شکل‌گیری و تداوم نظام اقتدار گرایی با تضعیف رفتار اجتماعی و فرهنگی همراه بود. با آغاز حکومت پهلوی، موانع بزرگی بر سر راه تحقق حقوق شهروندی در ایران فراهم شد و بی‌اعتمادی به عنوان ستون فقرات فرهنگ سیاسی ناکارآمد، محصول ساختارهای

موجود پهلوی و قبل آن بود (سریع‌القلم، ۱۳۹۷: ۵۴). از ما حاصل مطالعات و پژوهش‌های به عمل آمده، میتوان نتیجه گرفت که از زمانهای خیلی گذشته حتی قبل از دوران قاجار که فرهنگ ماردوشی و زور بر ایران حاکم بود، شهروند و شهروندی نزد حاکمان و زمامداران اعتبار و جایگاهی نداشت و همین فرهنگ، بعدها در بین ایرانیان نهادینه شد و در نتیجه، حقی تحت عنوان حقوق شهروندی که متغیر اصلی پژوهش ماست، بی معنی بود ولی به مرور زمان و با رشد آگاهیهای سیاسی شهروندان، سر نخهای خیلی اندک از حقوق شهروندی پیدا شد که با معنای امروزی فاصله زیادی دارد. با این مقدمه، هدف پژوهش این است که با مطالعه و بررسی فرهنگ سیاسی حاکمان و شهروندان در جامعه ایران، زمینه‌های تاثیر و موانع آن در تحقق حقوق شهروندی مشخص گردد تا با شناخت دقیق و موشکافانه فرهنگ سیاسی در سطوح حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان، تحقق و اجرای حقوق شهروندی با چالش‌ها مواجه نشود و فرهنگ سیاسی دموکراتیک که عاملی موثر در تحقق آن می‌باشد، نهادینه شود. برای دستیابی به این هدف، سؤال پژوهش این است که، مهمترین موانع فرهنگ سیاسی برای تحقق حقوق شهروندی ایرانیان کدامند؟ لذا در این نوشتار سعی شده است با روش توصیفی و تحلیلی و رویکرد جامعه‌شناسانه به بررسی این فرضیه پرداخته شود که نوع نگرش ایرانیان چه در سطح فرمانروایان و چه در سطح فرمانبرداران به قدرت و متفرعات آن، از عوامل اصلی عدم تحقق حقوق شهروندی در ایران است (فرضیه).

## ۲. پیشینه تحقیق

پژوهش حاضر به عنوان مکمل تحقیقات داخلی، تا حدودی مشابه یا نزدیک به آنهاست که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. ۱- امیری در مقالهای با عنوان «ریشه‌های ملی و بین‌المللی چالشهای حقوق شهروندی در ایران» از شهروندی سیاسی یاد میکند. آنچه در این مقاله به آن پرداخته شد و به عنوان سوال پژوهش مطرح است، این است که چرا مفهوم شهروندی، عنصر اساسی تعلق فرد به جامعه سیاسی است و موانع آن در ایران کدامند. در این پژوهش از شش نوع شهروندی (شهروندی سیاسی، شهروندی اجتماعی، شهروندی جنسیتی، شهروندی قومی-فرهنگی، شهروندی اقتصادی و شهروندی جهانی) یاد شده است که شهروندی سیاسی ارتباط نزدیکی با موضوع مقاله حاضر دارد. مقاله پیش‌رو، با محوریت فرهنگ سیاسی، با بیان برخی مسایل و موانع مهم تحقق حقوق شهروندی در ایران، راهکارهایی اجرای رفع موانع پیشنهاد شده است که در پژوهش مزبور به صورت دقیق بررسی نشده و ارایه نگردیده است و به صورت کلی با تمرکز بر

برخی از مسایل نظری، فقط بعضی از چالش‌ها و موانع مربوط به حقوق شهروندی را مدنظر قرار داده است (امیری، ۱۳۹۵: ۷۱). ۲-بابایی فرد و دیگران در تحقیقی با عنوان «تعامل فرهنگ شهروندی و حقوق شهروندی» بر توجه مسئولین کشور بر حقوق شهروندی تاکید نموده‌اند. در این پژوهش، نحوه تعامل و کارکردهای دو متغیر فرهنگ شهروندی و حقوق شهروندی به عنوان مفاهیم نوظهور و چارچوبی برای تعامل افراد، گروهها و نهادها و از ضروریات افزایش و گسترش سرمایه‌های اجتماعی در جامعه، مورد بررسی قرار گرفته است. لیکن فرهنگ سیاسی، تاثیر و موانع آن در تحقق حقوق شهروندی جزء به جزء تبیین نشده است (بابایی فرد و دیگران، ۱۳۸۴: بی تا). ۳-محسنی در پژوهشی با عنوان «ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی؛ راهکارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی» ضمن بیان وضعیت شهروند در جوامع دموکراتیک، به حقوق متقابل دولت بر مردم و مردم بر دولت اشاره دارد. مقاله موصوف، تحقیق علمی است که با نگاهی مختصر به حقوق سیاسی به عنوان یکی از بنیان‌های حقوق شهروندی، به بررسی عوامل تاثیرگذار بر حقوق شهروندی و ارایه راهکارهای اجرای این حقوق و با امعان نظر بر سه اصل حقوق سیاسی، حقوق مدنی و حقوق اجتماعی، جنبه آگاهی‌بخشی دارد (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

### ۳. مفاهیم

#### ۳-۱. فرهنگ سیاسی

مفهوم فرهنگ سیاسی به معنای نحوه اثر گذاریهای متقابل فرهنگ و سیاست (سریع‌القول، ۱۳۸۹: ۱۱). مفهوم فرهنگ سیاسی از جمله انتزاعی‌ترین مفاهیم علوم سیاسی است. آلموند و وربا در دهه ۱۹۶۰ در کار تحقیقی مشترکی تحت عنوان «فرهنگ مدنی: ایستارهای سیاسی و دموکراسی» پرداختند که بیش از هر کس دیگری در پیدایش و شکل‌گیری رهیافت و مفهوم فرهنگ سیاسی مؤثر بوده است. به طوری که می‌توان گفت، مفهوم فرهنگ سیاسی در معنا و مفهوم جدید، زاینده تلاش پژوهشگرانی چون آلموند و وربا بود. از نظر آلموند، هر نظام سیاسی متضمن یک الگوی خاص از جهت‌گیری به سمت کنش‌های سیاسی است؛ این به این معناست، که در هر نظام سیاسی یک قلمرو ذهنی سازمان یافته در باب سیاست وجود دارد که به جامعه، ترکیب نهادها و اتکای اجتماع بر افعال فردی معنی می‌دهد. از این زمان به بعد، مفهوم فرهنگ سیاسی با رهیافت رفتارگرایی که مبتنی بر ارقام و کمیت و یک نوع مدل‌سازی تجربیدی بود، پیوند خورد و به عنوان رهیافتی جدید، سطح جدیدی از تحلیل مسائل و تحولات سیاسی را به وجود آورد (رفیع و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۳). مفهوم

فرهنگ سیاسی تا پیش از جنگ دوم جهانی هنوز به لحاظ نظری صورت بندی نشده بود(زارعی محمودآبادی، ۱۳۹۳: ۵۴). فرهنگ سیاسی، توزیع خاص الگوی جهت گیری به سوی موضوعاتی که جنبه سیاسی دارند از جمله: نهادها، ساختارها، نقش‌ها و رفتارهای سیاسی در میان اعضای یک جامعه در سطوح مختلف با رویکرد شکل و جهت‌دهی به اعمال و رفتارهای سیاسی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیریها در عرصه سیاست، می‌باشد. کنش‌ها و رفتارهای سیاسی فرد و جامعه بر اساس فرهنگ سیاسی آن جامعه، صورت بندی می‌شود.

### ۲-۳. حقوق شهروندی

مفهوم حقوق شهروندی همچنان یک مفهوم مناقشه‌بردار است یعنی این طور نیست که کاملاً ابهامات مفهومی آن برطرف شده باشد(کلدی و پوردهناد، ۱۳۹۱: ۳۲). مفهوم حقوق شهروندی به یکی از مفاهیم اصلی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی بدل شده است(حاج‌زاده و منصوری، ۱۳۹۲: ۵۹). بررسی اجمالی مقررات موجود نشان می‌دهد که مفهوم حقوق شهروندی همیشه با حقوق بشر همراه بوده و با وجود مطالعه و تحلیل جداگانه آنها از سوی اندیشمندان، در عمل تفکیک خاصی در این مورد صورت نگرفته است و اسناد بین‌المللی موجود، تا حد زیادی زمینه معرفی مفاهیم حقوق بشر و شهروندی را فراهم ساخته‌اند(السان، ۱۳۸۷: ۱۳). حقوق شهروندی یک مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق سیاسی و غیر سیاسی (حقوق مدنی و بهره‌مندی‌های فردی و اجتماعی که دارای صبغه سیاسی نیستند) می‌باشد. از این رو، می‌توان گفت که حقوق شهروندی شامل هر سه نسل حقوق بشری(حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی و اجتماعی و حقوق همبستگی) که در سطح دکترین مطرح شده‌اند، می‌باشند(شهریاری، ۱۳۹۶: ۱۱۴). حقوق شهروندی که مجموعه‌ای از حقوق عمومی و خصوصی را تشکیل می‌دهد، بیانگر حقوق ذاتی، فطری و طبیعی انسانها در دل اجتماع است. این حقوق برخاسته از حیثیت انسانی و کرامت ذاتی بشر است و در حال معمول، قابل سلب از شهروندان نیست و دولتها همواره ملزم و مکلف به حفظ و رعایت این حقوق هستند(موسوی بجنوردی و مهریزی‌ثانی، ۱۳۹۲: ۲۱). حقوق شهروندی آن دسته امتیازاتی است که شهروندان به طور قانونی حق برخورداری از آن را دارند و دولت عهده‌دار اعطای این امتیاز و تأمین خدمات مرتبط با این امتیازهاست(شارع‌پور و دیگران، ۱۳۹۵: ۲). حقوق شهروندی جزو حقوق اساسی هر شهروند اعم از مرد و زن است که در جوامع گوناگون، میزان برخورداری و آگاهی از آن در بین افراد متفاوت است و با آگاهی از شهروندی و مسایل پیرامون آن، گامی مؤثر

جهت تحقق حقوق شهروندی برداشته می شود و راه برای رسیدن به جامعه ای با کمترین ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی هموار می شود (رمضان مقدم و اجاری و جانی پور، ۱۳۹۶: ۳۴). در معنای عام، حقوق شهروندی به مجموعه ای از وظایف و مسئولیت های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده ی مدیران شهری (شهرداری) دولت یا به طور کلی قوای حاکم است، اطلاق می شود (مستی و فلاحی، ۱۳۸۹: ۶۱). حقوق شهروندی در مفهوم امروزی آن تنها به حقوق و منافع شهروندان اختصاص ندارد. در یک نگاه گسترده می توان از تعهداتی سخن گفت که شهروندان بدان ملزم هستند. به عبارت دیگر، حقوق شهروندی لزوماً به مفهوم تفوق حقوق شهروندان بر تکالیف آنها در تمام شرایط نخواهد بود و ممکن است که در شرایط بحرانی و اضطراری تعهدات ایشان بر حقوقشان مقدم شناخته شود. حقوق و مسئولیت شهروندی منطقاً به طور نزدیکی با هم مرتبط هستند (فالکس، ۲۰۰۰: ۱۴۱). بنابراین، حقوق شهروندی به عنوان بنیان جوامع دموکراتیک و مردم سالار، منفک و جدا از مسئولیت و تعهد شهروندی نمی تواند در روابط متقابل شهروندان با یکدیگر و دولت، نظم اجتماعی و سیاسی خلق نماید. واژه ها و کلمات حقوق و تکالیف در عبارت حقوق شهروندی، بارمعنایی دارند و هر یک از آنها، لازم و ملزوم یکدیگرند و اساساً اصطلاح حقوق شهروندی بدون دو واژه یاد شده، قابل درک و فهم نیست.

#### ۴. چارچوب نظری

فرهنگ سیاسی به عنوان محور اصلی تحولات و توسعه سیاسی و وجود عینی آن در جامعه گذشته و کنونی ایران با مقایسه مبانی نظری جوامع دیگر، در ایران مورد توجه جدی و موثر قرار نگرفته و به جهت حساسیت های خاصی که دارد، کمتر پژوهشی به آن پرداخته است. به نظر می رسد به دلیل حساسیت موضوع و سیاسی بودن آن و نیز بروز اصطحکاک در روابط مردم با حاکمان، موضوع پژوهش در فرهنگ سیاسی به حاشیه رفته و انگیزه های برای تحقیق و پژوهش دیده نشده است. در حالی که جامعه ایرانی در مدار توسعه سیاسی قرار گرفته و شناخت فرهنگ سیاسی در سطوح مختلف بیش از پیش ضرورت می یابد.

ماروین زونیس، چهار خصوصیت برای فرهنگ سیاسی ایرانیان به خصوص نخبگان سیاسی بر می شمارد: بدبینی سیاسی، بی اعتمادی شخصی، احساس عدم امنیت آشکار و بهره کشی میان فردی (خسروی و شهسواری فرد، ۱۳۹۵: ۲۰۵). سیطره ی فرهنگ سیاسی شعارزده و عوام گرا بر

اقتصاد و خدش‌دهار بودن اصل مالکیت و سلطه‌ی سیاسی بی‌چون و چرای حکومت بر اموال و دارایی‌های مردم، مشکلات اساسی و زیربنایی اقتصاد ما را تشکیل می‌دهند (زیباکلام، ۱۳۹۵: ۸۲). به نظر میرسد ویژگی‌های فرهنگ سیاسی نامساعد و منفی حاکم بر جامعه ایرانی، که بیشتر از فرهنگ سیاسی فرمانروایان و شاهان دوران گذشته ایران، متأثر و نهادینه شده است، در جامعه کنونی ما، جاری و ساری است و یکی از موانع اصلی تحقق حقوق شهروندی تلقی می‌گردد که نمود آن را می‌توان در اقتصاد سیاسی مشاهده کرد، به طوری که با غلبه بر اقتصاد و دارایی‌های مردم، تحقق حقوق مالی شهروندان با مشکلاتی روبه‌رو بوده و هست. بنابراین، بُعد اقتصادی حقوق شهروندی در ایران تحت الشعاع بعد سیاسی آن قرار گرفته و عینت یافتن امور اقتصادی منوط به فرهنگ سیاسی در سطح حاکمان گردیده است. غزالی، با استناد به روایات، ملوک را در مقابل رعیت مسئول میدانند و غفلت آنان از احوال زیردستان را موجب عقاب و عتاب الهی در آخرت می‌داند و در مکاتیب و نامه‌های خود، به امرا و ارکان حکومت، آنان را به بهبود هرچه بیشتر وضعیت و شرایط مردم ترغیب میکند و به دولتمردان وقت، یادآوری می‌کند که عشق به بندگان خدا و امت باید محرک آنها در قبول مسئولیتی باشد که به عهده گرفته‌اند نه عشق به مال و قدرت (غمامی، ۱۳۹۵: ۸۱). در ایران، چه بسا کسان که همه نشیب و فرازها در زمینه حقوق شهروندی را به پای دولت می‌گذارند و با این نگرش، نقش و اهمیت مناسبات اجتماعی در شکل‌گیری ساخت حقوقی در سایه می‌ماند و در عمل مسئولیت شهروند در زمینه‌ی دگرگونی‌های حقوق شهروندی، کنار گذاشته میشود (افضلی و حسام، ۱۳۸۹: ۱۲۱). با مروری بر چارچوب و مبانی نظری فرهنگ سیاسی حاکمان و پادشاهان ایرانی، از یک سو، اکثر دیدگاهها و نظرات مختلف، نگرش سیاسی حاکمان و حکومت‌کنندگان را در نحوه تحقق حقوق شهروندی مؤثر دانسته و از سوی دیگر، به سبب انقلابات، تحولات سیاسی و گرایش‌های مردمی، پدیداری فرهنگ سیاسی غالب را در زمان کنونی، متعسر و دشوار می‌داند.

##### ۵. تاریخچه فرهنگ سیاسی

شناخت وضعیت فعلی و ریشه‌یابی عناصر سازنده فرهنگ سیاسی ایرانی، مستلزم آگاهی از پیشینه و سیر تاریخی آن می‌باشد. در قرن ششم قبل از میلاد، کوروش فرمانروای هخامنشیان و بنیانگذار امپراتوری ایران، منشوری را تنظیم کرد که در آن آزادی مذاهب و آزادی ملل بیگانه مورد توجه قرار گرفته بود. روی کند و کاریهای تزئینی پرسپولیس، شکل‌هایی از پادشاه حک شده که سمبل بدی را میکشد؛ زرتشت نسبت به پستترین رعیت، مفهومی از کرامت اعطاء کرده که هیچ امپراطوری

نمی تواند او را از آن محروم کند(امیری، ۱۳۹۵: ۷۴). کوروش از منشور آزادی و حقوق اقلیت‌ها دفاع نمود و با نجات مردم بابل از دست آشوریان و احترام به آزادیهای آنها، سعی نمود تا با اجرای آن، حقوق شهروندی را جهانی سازد. در دوره اشکانیان نیز، اقوام مختلف، مورد احترام قرار داشتند و پیروان مذاهب و آیینهای مختلف می توانستند بدون فشار و اذیت، آزار و با برخورداری از آزادی، زندگی کنند. در دوره کوتاه مدت مشروطیت، صحبت از حقوق شهروندی به میان آمد ولی به دلیل اختلاف بین رهبران انقلاب، مشروطه در کوتاه مدت با شکست مواجه شد. حتی در دوره پهلوی با وجود باز کردن درهای مدرنیته به روی ملت ولی به علت عدم توسعه سیاسی، حقوق شهروندی در ایران شکل نگرفت(ساجدی، ۱۳۹۵: ۵۳). در ایران پس از اسلام، حقوق شهروندی تابع اندیشه‌های سیاسی حاکمان بود(شهریاری، ۱۳۹۶: ۱۱۱). در ایران باستان، فرمانروا نیازی به توافق هیچ بخشی از جامعه، از وضع و شریف نداشت و تنها متکی به اطاعت اجباری مردم بود و فرمانروایان و کارگزاران زیردست آنان در برابر هیچ کس جز مقام فرادست پاسخگویی اعمال خود نبودند(همایون کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۷). در جامعه سنتی ایران، دولت پایگاه و نقطه اتکاء محکم و مداومی در درون اجتماع نداشته و به همین دلیل از نظر طبقات مردم، مشروعیت نداشته و منافع آنان را نمایندگی نمی کرده است. همه حقوق اجتماعی ملاً در انحصار دولت بوده و حقوقی که هر فرد، گروه و طبقه اجتماعی و حتی کل جامعه از آن برخوردار بوده، اساساً بر مبنای اجازه و اراده دولت قرار داشته یعنی در حکم امتیازی بوده که دولت هر لحظه میتواند آن را ملغی کند(همایون کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۴). تمرکز قدرت نزد دولت در طول تاریخ سبب گردید تا موضوع مشارکت در ایران نیز ماهیتی دولتی داشته و اکثراً از طریق ساز و کارهای دولتی انجام شود(تفضلی و خلیلی، ۱۳۹۲: ۹۵). احکام حاکمان و دولتهای مستبد در طول تاریخ بجز در دوره هایی کوتاه، با وجودی که مردم را از حقوق اولیه و حقوق شهروندی محروم ساخته بود، میبایستی بدون چون و چرا به اجرا در میآمد(کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۲۲). ایرانیان به طور کلی معترض جدی حاکمیت نمی شدند و اگر هم با خلافت یا امارت امیران ترک درگیر شدند، نوع برخورد قبیله‌ای بود و نه مبارزه‌ی سازمان یافته با پیشینه‌ی فرهنگی برای برپا کردن حکومتی ملی یا عادلانه. هرکس در ایران به پادشاهی می رسید، مردمی که به عنوان سپاهی پیرامون وی جمع میشدند، یک انگیزه بیشتر نداشتند و آن هم این بود که از آسانترین راه ثروتمند شوند. از میان ایرانیان هر کس با هر مکانیسمی که به قدرت دست می یافت، مردم در تبعیت او تردیدی به خود راه نمی دادند. نه اعراب که همسایه ما بودند دارای



روحیه ملی واقعی بودند و نه هندوها، در نتیجه، تاختن به این سرزمین مشکل جدی برای مهاجمان ایجاد نمی‌کرد بلکه عموماً با استقبال عناصر با نفوذ داخلی نیز مواجه میشد (رضاقلی، ۱۳۹۶: ۸۶). در جامعه سنتی ایران، خودسری دولت و عدم مسئولیت ملت (عدم حس مسئولیت آحاد و طبقات ملت نسبت به دولت استبدادی) دو روی یک سکه بوده‌اند و برداشت مردم پس از انقلاب مشروطه، آزادی مطلق و بی‌قید و بند بود و هر فرد، گروه و طبقه‌ای در حد تصور خود، هم حقوق اجتماعی را می‌خواست ولی حاضر نبود هیچ مسئولیت اجتماعی را بپذیرد. پریشانی، ضعف و ناتوانی به جایی رسید که خیلی از ترقی‌خواهان، درس خواندگان، روشنفکران و سیاستمداران (و خاصه بسیاری از رهبران فکری و سیاسی آنان) به این نتیجه رسیدند که تا قدرت متمرکز نشود، مملکت از دست خواهد رفت. بنابراین فرهنگ عدم مسئولیت ملت، پس از انقلاب مشروطه و شهریور بیست که رژیم استبدادی فروریخته بود، در بازگشت دیکتاتوری و استبدادی، نقش بزرگی بازی می‌کرد (همایون‌کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۵). در فرهنگ سیاسی روح مسئولیت‌پذیری ضعیف بوده است (حقیقت، ۱۳۷۶: ۱۰۶). در زمان ناصرالدین شاه و امیرکبیر رعایت حقوق مردم توسط حاکمان و نمایندگان آنها، تأیید شده است (علیدوستی، ۱۳۸۸: ۵۹). با توجه به سوابق و پیشینه پیشگفته، می‌توان گفت، پادشاهان و حاکمان ایران که با زور و غلبه بر اریکه قدرت نشسته بودند و امیدی جز تضييع حقوق مردم از آنها انتظار نمی‌رفت و اگر در برهه‌ای به رعایت حقوق نسبی مردم اهمیت میدادند، صرفاً جهت استحکام قدرت، استمرار و طولانی شدن مدت زمامداری و فرمانروایی بود و نادیده گرفتن آن را به منزله تزلزل پایه‌های قدرت، حکومت و تنفر مردم از اندیشه‌های سیاسی که دایر مدار تشکیل حکومت تلقی میشد، میدانستند که تجربیها و عملکردهای مقطعی عاملان قدرت در گذشته ایران، مؤید آنست. در آثار به جا مانده از حکمرانی پادشاهان ایرانی حتی با نگرش جهانی، سر نخ‌هایی از تحقق حقوق شهروندی در ایران ملاحظه می‌گردد. از سوی دیگر، اگر هم، حقوقی به مردم تعلق می‌گرفت، حاکمان قابلیت لغو آنها را داشتند و هیچ‌گونه اعتراضی از سوی فرمانبرداران پذیرفته نمی‌شد. به نظر می‌رسد، فرهنگ عدم مسئولیت سیاسی مردم در تعیین سرنوشت کشور که ناشی از فرهنگ سیاسی مسلط و غالب حاکمان مستبد بود، موجبات سرکار آمدن آنها را بر مسند قدرت، تسهیل نمود و حقوق شهروندی دچار چالش گردید. این وضعیت تا انقلاب مشروطه ادامه داشت که با روی کار آمدن انقلابیون مشروطه‌خواه با انگیزه و داعی آزادی‌خواهی و رعایت حقوق شهروندی و تصریح آن در متمم قانون اساسی مصوب ۱۲۸۶ ه.ش، توجه به حقوق شهروندی و

مصادیق آن را شاهد بودیم که در دوره خیلی کوتاه ماندگار شد و به دلایل مختلف از جمله اختلافات اندیشه رهبران سیاسی آن، متاسفانه امید مشروطهخواهان محقق نشد و حتی وضعیت حقوق شهروندی در دوران منتهی به پهلوی اول و دوم، کمافیالسابق رقم خورد و علی رغم جلوه‌های حقوق شهروندی، تحول خاصی اتفاق نیفتاد. در واقع، فرهنگ سیاسی نهادینه شده و دو سویه بین حاکمان و مردم، چنین وضعیتی را مطالبه می‌کرد و با نگاهی به تحولات فرهنگ سیاسی در ایران، میتوان گفت تحقق حقوق شهروندی با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است، بطوری که در گذشته، حقوق شهروندی حتی نسبتاً مطلوبی وجود نداشت.

علی‌رغم تقسیم بندی‌های مختلف فرهنگ سیاسی، آنچه مدنظر این پژوهش است، فرهنگ سیاسی فرمانروایان و فرمانبرداران است و نقشی که هر یک از آنها در تحقق حقوق شهروندی در ایران دارند، می‌باشد. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، اصول قانون اساسی و قوانین موضوعه، اهمیت فرهنگ سیاسی زمامداران و شهروندان را در شکلگیری گروه‌ها و تشکلهای سیاسی و ترویج و تحقق حقوق شهروندی مورد تأکید قرار داده و قوای حاکم را مدافع این حقوق قلمداد نموده اند که با تصویب و ابلاغ سند بیست ساله کشور به تاریخ ۱۳/۸/۱۳۸۲ توسط مقام رهبری، در قالب چهار برنامه توسعه‌ای کشور با تهیه و تصویب دولت و مجلس، می‌توان به نقش و اهمیت این قواعد در پیشبرد حقوق شهروندی پی برد. البته در برخی از قوانین از جمله قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی که از بخشنامه ۱۳۸۳/۲/۱۵ رئیس وقت قوه قضائیه مستفاد شده بود، سخنی از مسئولیت و تعهد فرد در قبال سرنوشت اجتماعی خود نیست (اردبیلی، ۱۳۸۶: ۳۶). در واقع، به نقش و اهمیت فرهنگ سیاسی شهروندان در تعیین سرنوشت کشور که یکی از مصادیق حقوق شهروندی است، صراحتاً اشاره نگردیده است، در حالی که علاوه بر تأثیر فرهنگ سیاسی حاکمان و حکومت‌کنندگان، فرهنگ سیاسی شهروندان و حکومت‌شوندگان نیز، در تحقق حقوق شهروندی سهم بسزایی دارد. لذا به تبیین نقش‌آفرینی هر یک از آنها در تحقق حقوق شهروندی می‌پردازیم.

## ۶. نقش فرهنگ سیاسی حکومت‌کنندگان در تحقق حقوق شهروندی

امری که امروزه باعث شده تولد شهروند فعال و صاحب حق را به تعویق بیندازد، استبداد کهن در ایران است (فاطمی‌نیا و حیدری، ۱۳۸۷: ۱۱۲). اگر امروزه در تحقق حقوق شهروندی با موانع

و کاستی هایی روبرو هستیم بدون شک و تردید ناشی از فرهنگ نهادینه شده ایام گذشته ایران است که حاکمان زمانه با غلبه بر فرهنگ عمومی و خصوصی از خود به یادگار گذاشتند (بشیریه، ۱۳۷۶: ۲۰). شرایط دوران بعد از انقلاب نیز مانند شکل گیری سریع گروهها و تشکلهای سیاسی، اجازه بسترسازی برای ترویج و تحقق حقوق شهروندی را نداد (ساجدی، ۱۳۹۵: ۵). از سوی دیگر، همزمان با شکل گیری انقلاب ۱۳۵۷ و تأسیس جمهوری اسلامی، فرصت تاریخی مناسبتری برای شکل گیری شهروندی فراهم گردید که تا پیش از آن، کم سابقه بود (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۴۴). متأسفانه در کشور ما، فرهنگ سیاسی فرمانروایان غالب بر فرهنگ سیاسی فرمانبرداران است و همین امر یکی از موانع اصلی تحقق حقوق شهروندی در ایران می باشد. از جمله موانع دیگر، میتوان به عدم پابندی مامورین اجرایی و ضابطین دادگستری به رعایت قوانین، برخورد سلیقه‌ای در اجرای قوانین مربوط به حقوق شهروندی و نادیده گرفتن حقوق شهروندی به بهانه حفظ نظم و امنیت عمومی، برخورد قهری و سرکوبگرانه با پدیده‌ی پوشش نامناسب مرسوم به بدحجابی، اشاره کرد (مستی و فلاحی ۱۳۸۹: ۶۴). این موارد ریشه در عدم آگاهی مردم نسبت به حقوق شهروندی خود و روابط با هم‌نوعان و دولت و نیز عدم آگاهی مجریان قانون به تکالیف خود در رعایت حقوق شهروندی مردم، دارد (تقی‌پور، ۱۳۹۰: ۳۷). مسئولان و کارگزاران سیاسی و اجتماعی بیشتر به دنبال طلب انجام تکالیف شهروندی از سوی افراد می باشند (غیاثوند، ۱۳۹۴: ۱۲۲). آنچه بیشتر در فرهنگ سیاسی حاکمان و دستگاههای اجرایی کشور مورد تأکید قرار گرفته و میگیرد، نگرش بر تکالیف سیاسی شهروندان است نه گرایش به حقوق شهروندی. گرایش به حقوق سیاسی شهروندان، تحت‌الشعاع گرایش به تکالیف سیاسی آنان می‌گردد و تحقق حقوق شهروندی را در ایران با مشکلات و موانع متعددی مواجه کرده است.

در ایران امروز، قدرتمندترین حلقه‌ی تصمیم‌گیری، که در مرکز حلقه‌های دیگر قرار دارد، از یک گروه نخبه‌ساز که بیشتر اعضای آن روحانیون متفادند، تشکیل شده است (امیراحمدی، ۱۳۷۴: ۹۳). از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، فرهنگ سیاسی در سطح حاکمان و عاملان قدرت، تحت عنوان فرهنگ نخبگان سیاسی در تحقق و اجرایی شدن حقوق شهروندی ما ایرانیان، رویه‌های مختلفی داشته که جهت تبیین تأثیر آنها، میتوان به دوره‌های ریاست جمهوری منتخبین مردم در برهه‌های مختلف اشاره نمود. بدین معنا که، در دوران قبل از ریاست جمهوری آقای اکبر هاشمی، حقوق شهروندی متأثر از فضای حاکم بر جامعه، وجود داشت و در دولت ایشان که انتظار بیشتری

نسبت به دوره قبل میرفت، ما شاهد ارتقای حقوق شهروندی نبودیم. دوره آقای محمدرضا خاتمی که با گفتمان مدنی همراه بود و شهروندان نیز به این شعار دل بسته بودند، متأسفانه به دلیل حاکمیت مسلط و استمرار فرهنگ سیاسی نهادینه شده دوره قبل بر نخبگان سیاسی، حضور و ثبیت نهادهای مدنی بعنوان یکی از جلوه های حقوق شهروندی، در یک نظریه باقی ماندند. دوران آقای محمود احمدی نژاد نیز، که به دوران اولیه انقلاب بر می گشت، حقوق شهروندی چندان جایگاهی نداشت و الزمناً، در دولت آقای حسن روحانی، فرهنگ سیاسی با ابزار غالب اقتصاد سیاسی، سایر ابعاد حقوق شهروندی را تحت الشعاع قرار داده و حتی از حقوق شهروندی نسبتاً مطلوبی هم، برخوردار نیستیم. از جمله جنبه های منفی فرهنگ سیاسی، رویکرد ناامنی در سطوح مختلف جامعه ماست که جزء ساختار فرهنگ سیاسی ایران بوده و هست و از مکانیزم های پدیداری فرهنگ سیاسی مسلط و غالب به شمار می رود که در نهایت منجر به تضييع حقوق شهروندان شده است.

توزیع قدرت، در جامعه ما، به دلایل مختلف نامتوازن است و دولت سهم بسیار بالاتری از آن را در اختیار دارد و این امر، موجب تضعیف جامعه مدنی شده است (سیف اللهی، ۱۳۸۹: ۹۹). استمرار روحیه ی انتقام جویانه در فرهنگ سیاسی، امکان انتقال مسالمت آمیز قدرت در جامعه را از آن چه هست، کمتر می کند زیرا طبقه حاکم همواره بر این باور است که با از دست دادن قدرت، هستیش را نیز خواهد باخت و تا فرهنگ انتقام بر فرهنگ مسالمت تبدیل نگردد، بخت اصلاحات عمده سیاسی و اجتماعی در ایران چندان نخواهد بود (امیراحمدی، ۱۳۷۴: ۱۰۶). دولت وظیفه دارد به افراد، گروهها، حزبه و طبقات مختلف جامعه فرصت و اجازه بدهد تا بتوانند در عرصه ی عمومی حضور پیدا کنند و امتناع دولت و ساختار کلان از ایجاد فرصت برای مشارکت شهروندان و سازمانهای مختلف علاوه بر پیامدهای بیشمار دیگر، با مسئولیت گریزی و سرخوردگی از سوی شهروندان مواجه خواهیم شد (فاطمی نیا، ۱۳۸۶: ۵۵). دولت مکلف به احترام و تضمین حقوق و آزادیهای مردم است و در صورتی که بر این وظیفه خود عمل نکرده و یا حقوق مردم را مورد تجاوز قرار داد، این حق برای مردم ایجاد میشود که در مقابل تخلفات و رفتارهای متجاوزانه اش به موضعگیریهای شایسته بپردازند. با توجه به شدت و ضعف و درجه غفلت یا تجاوز دولت، به یکی از حالات سرپیچی از اطاعت، مقاومت در مقابل فشار و شورش و انقلاب متظاهر خواهد شد (هاشمی، ۱۳۷۷: ۱۱۰). صرف نظر از عدم توزیع مناسب قدرت در گروههای اجتماعی، قدرت در بدنه حاکمیتی هم، متعادل نیست و مخصوصاً قوه مجریه و دستگاههای اجرایی به دلیل حجیم بودن و

گستره فعالیتها، سهم بیشتری در اکتساب آن دارد و همین امور، مدنیت و مشارکت همگانی را مختل نموده و قلمرو و گستره حقوق شهروندی به مرور تنگ تر شده که پیامدهای سوء آن بیش از منافع شهروندان، یکی از نتایج توزیع نا برابر قدرت بین عاملان قدرت میتواند باشد. آنچه از گذشته دور برای جامعه ایرانی، به یادگار مانده است، روحیه انتقام جویانه در فرهنگ سیاسی برخی حکومت کنندگان است که تمایلی به انتقال قدرت در بدنه های اجتماعی و شهروندی نداشته و با رویکرد عدم سازگاری با فرهنگ سیاسی مردم، آراهه نقض حقوق شهروندی را با خود به یدک می کشند و از تقویت آگاهیهای سیاسی جامعه همواره در هراسند که مبدا رویکرد مسالمت آمیز، قدرت را از دست آنان خارج نماید. این فرهنگ هنوز هم، در برخی وضعیتهای جامعه ما، وجود دارد که به زعم خود، از لوازم اصلی ماندگاری قدرت و حکمرانی است. در جامعه کنونی ایران، ما شاهد انواع سرپیچیها ضعیف و شدید در قالب اعتراض به عملکرد عاملان قدرت بودیم که از جمله می توان به اعتراضات مردم در روند برگزاری انتخابات سنوات گذشته ریاست جمهوری و نیز افزایش چند برابری قیمت بنزین، اشاره کرد.

دستگاههای مختلف به حقوق شهروندی بی‌اعتنایی می‌کنند و فرهنگ سازی مناسبی برای احقاق این حقوق در بستر اجتماعی جامعه شکل نگرفته و در بسیاری از موارد، این حقوق به اشکال مختلف نقض می شود. تداوم ساختار قدرت سیاسی، انباشت قدرت، سلطه ایدئولوژیها و گفتمانهای سیاسی اقتدار طلبانه موانع برای فرایند تکوین و نهادینگی جامعه مدنی ایجاد میکنند(بشیریه، ۱۳۷۶: ۲۰). علاوه بر منابع متعدد قدرت، افزایش کنترل حکومت بر این منابع و فقدان جامعه مدنی کارآمد در جامعه کنونی ایران، وجود نهادها و سازمانهای سیاسی و موازی رسمی و غیررسمی متعدد، مزید بر این موانع شده و تحقق حقوق شهروندی را با مشکلات روبرو کرده است(سریع‌القلم، ۱۳۸۹: ۵۳). قانونگذار اساسی، در مقابله با انحرافات و خودسریهای حکومتی، در اصل بیست و چهارم، نشریات و مطبوعات را در بیان مطالب، به شرط رعایت مبانی اسلام، آزاد می‌گذارد و در اصل یکصد و هفتاد و پنجم، تأمین آزادی بیان و نشر افکار را، به رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور، اقدام و مقرر میدارد و در اصل یکصد و شصت و هشتم، رسیدگی به جرایم مطبوعاتی با حضور مؤثر هیات منصفه(هیات بیطرف مردمی) مقرر می‌نماید(هاشمی، ۱۳۸۴: ۵۱۴ و ۵۱۵). در حقوق اساسی ما، وفق اصل ۹۰ قانون اساسی: «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند.» و مطابق اصل یکصد و هفتاد و

یکم، چنانچه تصویب نامه یا آیین نامه‌ای یا تصمیمات دولت یا مامورین دولتی، مخالف قانون و حقوق مردم باشد، هرکس حق دارد ابطال این اعمال را از دیوان عدالت اداری که نهادی قضایی و تحت نظر قوه قضائیه است، مطالبه کند. بدین ترتیب، از تجاوز حکومت به حقوق مردم جلوگیری خواهد شد (بندرچی، ۱۳۸۳: ۱۳). قانونگذار اساسی، جهت رعایت حقوق شهروندی و برخورداری آحاد مردم از انواع آنها، تضمینات مؤثری در نظر گرفته که متعاقب آن قانونگذار عادی نیز قواعدی را با ضمانت اجراهایی منظور نموده است ولی در عمل همچنان در اجرایی شدن و معطی قواعد شهروندی بازمانده ایم و بجای ارتقای حقوق شهروندی با رکود تحقق آنها مواجه هستیم. البته نقش آفرینی قوای حاکم و حتی شهروندان و ارائه راهکارهایی مناسب و مؤثر، می‌تواند معضلات، موانع و مشکلات پیش روی تحقق حقوق شهروندی را کاهش دهد تا حداقل از حقوق شهروندی نسبتاً مطلوبی برخوردار شویم.

در بند ششم اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی» و در بند هفتم این اصل «تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی» و اهتمام دولت در به کار بردن همه‌ی امکانات جهت «مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش» به عنوان تکالیف دولت و حکومت، ترسیم شده است (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۱۰۸). اعضاء و ساختار مدیریتی به جای تأمل بر مشکلات شهروندان و اجرای راه‌حلهای مفید و مستمر، به دنبال حزب زدگی سیاسی و جانشین کردن روابط بجای ضوابط برای آشنایان و دوستان خود و در اختیار داشتن پستها و مقامهای اجرایی، می‌باشند (فادرزاده و شبان، ۱۳۹۷: ۲۰۴). حاکمان و حکومت‌کنندگان در حلقه‌های قدرت، باید در سیاست‌گذارهای حکومتی با تأسی از اصل برابری مصالح همگانی، برابری شهروندان را در نظر گرفته و در تحقق حقوق شهروندی کوتاهی ننمایند و صرفاً انجام تکالیف و تعهدات را از مردم طلب نکنند زیرا بین حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان یک رابطه دو سویه برقرار است و به قول باباطاهر: «چه خوش بی‌مهربانی هر دو سر بی‌که یک سر مهربانی در دسری». اینکه یک شبه سران مملکت قیمت بنزین را بدون توجه به پیامدهای سوء آن، چندین برابر افزایش دهند و اظهار بی‌اطمینان و بعد اعتراضات به حق برخی مردم، استماع نشود و نیز فجایع دردناکی همچون سقوط هواپیمایی اوکراینی و کشته شدن تشیع‌کنندگان کرمانی و مهمان ناخوانده و اپیدمی ویروس کرونا در کشور و اطلاع‌رسانی ناقص و دیر هنگام و پاسخگویی را به این و آن کردند و موارد دیگر، حاکی از عدم شفاف‌سازی و دست بردن به افکار

عمومی می باشد و رابطه دو سویه را توجیه نمی نماید. قدرت سیاسی و حاکمیت برخاسته از فرهنگ سیاسی مردمی، بجای اینکه در جهت تحقق حقوق شهروندان بکار برده شود، مانع و عامل سد راه آن شده است که البته پیامدهای آن ریشه در ساختار فرهنگ سیاسی عاملان قدرت در گذشته ایران داشته و نهادینه شده است و اصلاح و تغییر آن مستلزم گذران مدت مدید، ممارست و تقویت افکار و ایده های سیاسی آحاد مردم و نیز تنقیح فرهنگ سیاسی نامساعد حاکمان است.

#### ۷. نقش فرهنگ سیاسی حکومت شوندگان در تحقق حقوق شهروندی

فرهنگ سیاسی ایران، به عنوان مهمترین چالش جامعه ما در تحقق حقوق شهروندی در طول تاریخ، معرف این نکته است که دایره اعتماد میان افراد و تبع آن، نهادها، سازمانها و موسسات، بسیار اندک و محدود است و شهروند در برابر دولت و نهادهای سیاسی تنهاست (سریع‌القلم، ۱۳۸۹: ۵۳). برای تأمین حقوق مردم لازم است که اعمال و رفتار حکومت قابل بررسی و کنترل باشد (زیباکلام، ۱۳۹۵: ۹۱). این تصور در بین شهروندان ایرانی وجود دارد که از دسترسی به قدرت، گردش نخبگان و فرصت برابر سیاسی بی بهره‌اند و در یک وضعیت سیاسی - اجتماعی پایین تری نسبت به آنان (حکومت کنندگان) قرار دارند و از برخورداری حقوق یا دسترسی به موقعیتهای فرهنگی، محدود هستند و حکومت برای همه آنها، ارزش و احترام یکسانی قائل نیست. علی‌رغم ضعف عملکردی حکومت در تأمین شهروندی، وفاداری به حکومت نزد شهروندان محفوظ مانده است (قادرزاده و شبان، ۱۳۹۷: ۲۰۶). ضعف احساسات شهروندی، ناشی از ضعف عملکرد حکومت در تأمین حقوق شهروندی است و انتظار می‌رود وفاداری به دولت را کاهش دهد (غیاثوند، ۱۳۹۴: ۱۳۹). زمامداران و نمایندگان شهروندان در تمام سطوح سازمانی و حکومتی، باید پاسخگو باشند و در معرض انتقاد برابر و همگانی مردم جامعه قرار گیرند. نظرات، پیشنهادات و انتقادات کلیه شهروندان تأثیر بسزایی در رعایت حقوق شهروندی و تحقق آن دارد و مشارکت همگانی مردم در تمام ابعاد، اجرایی شدن حقوق شهروندی را تسهیل می نماید.

ایرانیان در گستره تاریخ خود به علت حاکمیت زورمداری و محرومیت از حقوق اولیه و شناخته نشدن به عنوان شهروندان صاحب حقوق، از عرصه های رسمی چشم پوشیده‌اند (پیران، ۱۳۷۶: ۳۶). به گواهی تاریخ، جامعه ما از متعادل بودن قدرت میان گروههای اجتماعی و دولت رنج برده است (سیف‌اللهی، ۱۳۸۹: ۹۹). در ساختار مدیریتی ایران، مردم در شکل گیری و برنامه ریزیهای اجتماعی و فرهنگی برای حل مشکلاتشان در سطح کلان، مشارکت فعال

دارند و شهروندان جامعه به عنوان موجودی آزمایشگاهی، مورد بررسی قرار می‌گیرند (قادرزاده و شبان، ۱۳۹۷: ۲۰۴). در حالی که افراد، نخبگان و روشنفکران و نهادهای مدنی موجود و بالقوه میتوانند با طرح نظری حقوق شهروندی و نشر فرهنگ مربوط به آن، موانع فرهنگی تحقق آن را رفع و زمینه برای تحقق و رشد حقوق شهروندی فراهم نمایند (افضلی و حسام، ۱۳۸۹: ۱۲۱). در ایران بین حکومت و مردم فاصله‌ای ایجاد شده است و مردم به جایی رسیده‌اند که حکومت از آن عقب‌تر است و مردم نشانهای را آشکار کرده‌اند که حکایت از خرد و در بخشهای زیادی حرکت حکومت با آن تطابق دارد (زیباکلام، ۱۳۹۵: ۱۱۲). شهروندی سیاسی که با حق مشارکت سیاسی تعریف می‌گردد، روح حاکم بر اصول ششم، بیست و ششم، بیست و هفتم و پنجاه و نهم قانون اساسی به نوعی در تعامل با شهروندی قرار می‌گیرد. در این اصول به مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، اتکاء به آرای عمومی در اداره کشور، انتخاب مسئولان و نمایندگان مجلس و اعضای شوراهای آزادی عضویت در احزاب و انجمنهای گوناگون قانونی، تشکیل اجتماعات و راهپیماییهای قانونی و ضرورت برگزاری همه پرسی‌ها، اشاره شده است (توسلی و نجاتی‌حسینی، ۱۳۸۳: ۵۲). جامعه مدنی ایران، با رویکرد فرهنگی، موانع و مشکلات اقتصادی، سیاسی و فشارهای خارجی روبروست و اگر رژیم جمهوری اسلامی نتواند برای مشکلات کشور، بالخصوص در عرصه اقتصادی و در زمینه روابط خارجی راهحلهایی بیابد، فشارهای حاصله ممکن است به ضعف عوامل مساعد به رشد جامعه مدنی بیانجامد (امیراحمدی، ۱۳۷۴: ۱۰۵). با نگاهی به تحولات فرهنگ سیاسی شهروندان، آنچه واقعیت‌ها را نمایان می‌سازد، فرهنگ سیاسی مغلوب حاکمان، مانع از مشارکت و دستیابی به حقوق شهروندی افراد جامعه شده و توزیع این مشارکت در بین گروههای مدنی و اجتماعی آنها با دید بدبینانه کمتر از دوران معاصر بوده و بیش سیاسی شهروندان امروزی با دوران گذشته فرهنگ سیاسی ایرانیان، قابل مقایسه نیست و در حال رشد و ترقی است. البته وضعیت کنونی جامعه ما، راجع به فرهنگ سیاسی حکومت‌شوندگان به حد متعارف و درخور پذیرش نیست و راه درازی را در پیش دارد و مستلزم انجام امور دیگری می‌باشد تا فرهنگ شهروند سیاسی در حال رشد، منجر به جلوه‌گری مصادیق حقوق شهروندی گردد و شهروندان در تمام ساختار مدیریتی و حاکمیتی مشارکت فعال داشته باشند. بنابراین، اگر بخواهیم شهروندی در تمام ابعاد آن، تحقق یابد و موانع آن به مرور بر طرف گردد، باید فرهنگ و نگرش سیاسی شهروندان بعنوان عامل اصلی تحقق حقوق شهروندی تلقی شود تا از این بن‌بست خودساز که وارث فرهنگ



سیاسی گذشته ماست، رهایی پیدا نماییم و تا زمانی که این فرهنگ، مغلوب فرهنگ سیاسی حکومت کنندگان است، حقوق شهروندی و تحقق مصادیق آن بی مورد است و اساساً چنین اتفاقی نخواهد افتاد و فرهنگ سیاسی شهروندان کما فی السابق به صورت منفعلانه باقی خواهد ماند.

۸. نتیجه گیری:

با توجه به اینکه فرهنگ سیاسی در مقایسه با سایر ابعاد حقوق شهروندی، بیشترین تاثیر را در تحقق حقوق شهروندی در ایران داشته، مساله پژوهش این بود که مهمترین موانع فرهنگ سیاسی در تحقق حقوق شهروندی ایرانیان کدام است. لذا با تقسیم بندی فرهنگ سیاسی به فرهنگ سیاسی حکومت کنندگان و حکومت شوندگان و تبیین نقش آنها در تحقق حقوق شهروندی و نیز مصادیق نامساعد فرهنگ سیاسی موجود، به این نتیجه می‌رسیم که از یک سو، نوع نگرش ما ایرانیان اعم از فرمانروایان و فرمانبرداران به قدرت و متفرعات آن، عامل اصلی عدم تحقق حقوق شهروندی در ایران است. از سوی دیگر، فرهنگ سیاسی غالب و مسلط دستگاههای حاکمیتی و تاسی فرهنگ سیاسی شهروندان از آنها، در اکثر موارد تحقق حقوق شهروندی را با مشکلاتی روبرو کرده و عامل مخرب و مزاحم آن می‌باشد.

تحقق و اجرایی شدن حقوق شهروندی در ایران، مستلزم توجه همه جانبه و همگانی در سطوح مختلف است و بی‌توجهی به آن مخصوصاً توسط صاحبان قدرت و دستگاههای اجرایی، می‌تواند زمینه‌ساز عدم تحقق مطلوب حقوق شهروندی گردد. متأسفانه، وضعیت حقوق شهروندی در جامعه ما، به دلیل عدم بکارگیری ظرفیت‌های موجود در فرهنگ سیاسی، مطلوب نیست. از آغاز پیدایش حکمرانی نیز، روابط بین حکومت کنندگان و حکومت شوندگان در ایران مبنی بر رابطه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری بوده و با تسلط فرهنگ سیاسی غیردموکراتیک حاکمان وقت، حقوق شهروندی وضعیت نسبتاً مطلوبی نداشت.

۹. پیشنهادات:

از یک سو، برای رعایت و تضمین اجرای حقوق شهروندی و برخورداری از مؤلفه‌های حکمرانی خوب در ایران، موانع فرهنگ سیاسی شناسایی و سیاست‌گذارهای تحقق عینی حقوق شهروندی تبیین گردد. از سوی دیگر، مشارکت فعالانه سیاسی شهروندان در صحنه‌های مختلف، ارتقای شعور سیاسی آنها با تمایلات مشترک فرهنگ سیاسی و برخی از مؤلفه‌های دیگر، می‌تواند

موانع فرهنگ سیاسی تحقق حقوق شهروندی را در ایران مرتفع نماید. با توجه به اینکه در شرایط فعلی جامعه ایرانی، اعتماد سیاسی وضعیت مناسبی نداشته و موضوع بی اعتمادی به عنوان چالش جدی بر سر راه تحقق حقوق شهروندی می باشد، شناسایی و تقویت روحیه اعتماد سیاسی در موقعیتهای مختلف، می تواند در شکل گیری و توسعه اعتماد سیاسی فی ما بین حکومت کنندگان و شهروندان مؤثر باشد. آنچه می تواند به این وضعیت بحرانی و نابسامان حقوق شهروندی ما خاتمه دهد، نگرش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک و عینیت یافتن آن در سطوح مختلف جامعه است که منجر به آشتی بین فرهنگ سیاسی حکومت کنندگان و حکومت شوندگان می شود و با روابط مسالمت آمیز و رعایت حقوق شهروندی، موانع موجود مرتفع و حقوق شهروندی برقرار می گردد زیرا جامعه ایرانی که داعیه مردمی و دموکراسی دارد، تنها راه نجات آن از این بن بست و بحران حقوق شهروندی، گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک و عینیت یافتن مصادیق آن تحت عنوان حقوق شهروندی، می باشد.

#### منابع:

- امیری، سروش «ریشه های ملی و بین المللی چالش های حقوق شهروندی در ایران» فصلنامه سیاست، شماره ده، ۱۳۹۵.
- افضلی، رسول و حسام، مهدی، «حقوق شهروندی در ایران» اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره دویست و هفتاد و نه و دویست و هشتاد، ۱۳۸۹..
- اردبیلی، محمد علی، «چیستی و چرایی حقوق شهروندی؛ از نظریه تا قانون»، مجله ی حقوقی، شماره پنجاه و هشت، ۱۳۸۵.
- اسماعیلی، رضا، «انواع حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» فرهنگ اصفهان، شماره بیست و دو، ۱۳۸۰.
- السان، مصطفی، «حقوق شهروندی از چشم انداز نظریه شهروندی جهانی و قوانین و مقررات ایران»، حقوق بشر، شماره دو، ۱۳۸۷.
- امیر احمدی، هوشنگ، «در آمدی بر جامعه مدنی در ایران»، ایران نامه، شماره پنجاه و سه، ۱۳۷۴.
- بابائی فرد، اسدالله و دیگران، «تعامل فرهنگ شهروندی و حقوق شهروندی» اولین کنفرانس

- ملی معماری اسلامی، میراث شهری و توسعه پایدار، تهران: مؤسسه بین‌المللی ایرانیان، ۱۳۸۴.
- بشیریه، حسین، «مقاله‌های همایش جامعه مدنی، قدرت، ایدئولوژی: موانع تحقق جامعه مدنی در ایران» مجموعه مقالات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - دولتی - وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۶.
  - بندرچی، محمد رضا، «حقوق شهروندی در حقوق اساسی ایران» ماهنامه، شماره چهل و هفت، ۱۳۸۳.
  - پیران، پرویز، «شهر شهروند مدار-۳» مجله سیاسی - اقتصادی، شماره صد و بیست و پنج و صد و بیست و شش، ۱۳۷۶.
  - تفضلی، حسین و خلیلی، شبنم، «نقش نهادهای مدنی مستقل غیر دولتی در تحقق مطالبات حقوق شهروندی در قرن ۲۱ (با نگرشی بر جمهوری اسلامی ایران)» فصلنامه تخصصی سپهر سیاست، ۱۳۹۲.
  - توسلی، غلام عباس و نجاتی حسینی، سید محمود، «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران» مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، شماره دو، ۱۳۸۳.
  - تقی‌پور، سیروس، «حقوق شهروندی و قوه قضائیه ایران» ماهنامه دادرسی، شماره هشتاد و نه، ۱۳۹۰.
  - حاج زاده، مصطفی و منصوری، اعظم، «سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی در استان خراسان شمالی»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی، شماره دوازده، ۱۳۹۲.
  - حقیقت، صادق، «چالش‌های نظری جامعه مدنی در حکومت اسلامی» تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران (مجموعه مقالات سازمان مدارک انقلاب)، ۱۳۷۶.
  - خسروی، محمد علی و شهسواری فرد، شهره، «فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و کارآمدی سازمانهای غیر دولتی جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه دولت پژوهشی، شماره هشت، ۱۳۹۵.
  - رفیع، حسین و دیگران، «فرهنگ سیاسی؛ یک بررسی مفهومی و نظری» فصلنامه سیاست، شماره هفدهم، ۱۳۹۷.
  - رضا قلی، علی، جامعه‌شناسی خودکامگی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۶.
  - رمضان مقدم و اجاری، یاسمن و جانی‌پور، مجتبی، «رابطه عوامل اجتماعی و آگاهی از قوانین با آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر رشت» مطالعات جامعه‌شناسی، شماره

سی و چهار، ۱۳۹۶.

- زارعی محمود آبادی، حسن، «فرهنگ سیاسی مطلوب نهج البلاغه» پایان نامه دکتری علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی علامه طباطبایی با راهنمایی دکتر غلامرضا خواجه سروری، ۱۳۹۳.
- زیبا کلام، صادق، عکسهای یادگاری با جامعه مدنی (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات روزبه، ۱۳۹۵.
- سیف الهی، سیف اله، «زمینه ها و موانع اجتماعی شکل گیری و گسترش جامعه مدنی در ایران از انقلاب مشروطه تا سال ۱۳۹۰» مجله جامعه شناسی معاصر، شماره چهار، ۱۳۸۹.
- ساجدی، امیر، «حقوق بشر و حقوق شهروندی از نگاه دولتهای اسلامی خاورمیانه با تاکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره سی و شش، ۱۳۹۵.
- سریع القلم، محمود، فرهنگ سیاسی ایران، تهران، فروزان روز، ۱۳۸۹.
- همان، اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار، انتشارات فروزان روز، ۱۳۹۶.
- همان، اقتدار گرایی ایرانی در عهد پهلوی، انتشارات گاندی، ۱۳۹۷.
- شارع پور، محمود و دیگران، «بررسی میزان آگاهی از حقوق و مسئولیت های شهروندی نسبت به امور شهری و عوامل اجتماعی مرتبط آن» مطالعات جامعه شناسی شهری، شماره هجدهم، ۱۳۹۵.
- شهریار، اکبر، «ابهامات و موانع قانونی حقوق شهروندی» فصلنامه علمی - حقوقی قانون یار، دوره چهارم، ۱۳۹۶.
- علیدوستی، ناصر، «پلیس و آموزش حقوق شهروندی» فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره چهل و چهار، ۱۳۸۸.
- غمامی، سید محمد مهدی، اندیشه های حقوق عمومی، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۵.
- غیاثوند، احمد، «گونه شناسی شهروندی در ایران؛ فرصتها و تهدیدهای آن» فصلنامه علوم اجتماعی، شماره شصت و هشت، ۱۳۹۴.
- فاضلی، نعمت اله، «صورت بندی مسئله احساسات در ایران، مطالعات فرهنگ، نظریه ای درباره پویایی الگوهای عاطفی در ایران» مطالعات فرهنگ - ارتباطات، شماره چهل و سه، ۱۳۹۷.

- فاطمی نیا، سیاوش، «فرهنگ شهروندی محصول و محمل حاکمیت خوب سازمان کارا و شهروند فعال» فصلنامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره بیست و شش، ۱۳۸۶.
- فاطمی نیا، سیاوش و حیدری، سیامک، «عوامل مرتبط با تعهدات شهروندی» فصلنامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره سی و هشت، ۱۳۸۷.
- فالکس، کیث، شهروندی، مترجم: محمدتقی دلفروز، چاپ دوم، تهران: انتشارات کویر، ۲۰۰۰.
- فراستخواه، مقصود، ما ایرانیان، نشر نی، ۱۳۹۵.
- قادرزاده، امید و شبان، کاوه، «وضعیت شهروندی در شهر سنندج و عوامل مؤثر بر آن» فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره سی و چهار، ۱۳۹۷.
- کلدی، علیرضا، و پوردهناد، نگار، «بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران» مطالعات شهری، شماره چهارم، ۱۳۹۱.
- کاظمی، سیدعلی، «موانع و چالشهای تدوین لایحه‌ی حمایت از حقوق شهروندی در ایران» مجله حقوقی دادگستری، شماره پنجاه و هشت، ۱۳۸۶.
- گوهری پور، مرتضی، «معنا و مفهوم فرهنگ عمومی در پرتو مفهوم جهان‌های ممکن» مطالعات فرهنگ-ارتباطات، شماره سه هزار و ششصد و سی و نه، ۱۳۸۸.
- لطیفی، میثم و عبدالحسین زاده، محمد، «الگوی نظام‌مند اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی در کشور بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری» فصلنامه راهبرد اجتماعی-فرهنگی، شماره بیستم، ۱۳۹۵.
- محسنی، رضا علی، «ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی؛ راهکارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی» فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ده، ۱۳۸۹.
- موسوی بجنوردی، سید محمد، و مهریزی ثانی، محمد، «حقوق شهروندی از نگاه امام خمینی» پژوهشنامه متین، شماره شصت و یک، ۱۳۹۲.
- موسوی، روح‌اله، «حقوق شهروندی با تاکید بر مردم و فرهنگ» اولین کنفرانس پژوهش در فقه، حقوق و علوم انسانی، ۱۳۹۶.
- مستی، مهران و فلاحی، ابوالقاسم، «نگاهی به حقوق شهروندی با تاکید بر جنبه‌های قضایی» نشریه داخلی وکلای دادگستری، ۱۳۸۹.
- هاشمی، سید محمد، «جامعه مدنی و نظام سیاسی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره

بیست و سه و بیست و چهار، ۱۳۷۷.

- همان، حقوق بشر و آزادیهای سیاسی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴.
- همایون کاتوزیان، محمد علی، ایران، جامعه ی کوتاه مدت و ۳ مقاله دیگر، تهران: نشر نی، ۱۳۹۵.
- همان، «دموکراسی، دیکتاتوری و مسئولیت مدنی» اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره شصت و هفت و شصت و هشت، ۱۳۷۱.